



تعلیم و تربیت اسلامی در مدارس

ام البنین وحیدی^۱، محمد جواد صادقی حسن آبادی^۲، کاظم بهرامی^۳، عفت نوری^۴

۱- کارشناسی الهیات

۲- کارشناسی دبیری الهیات

۳- کارشناسی آموزش ابتدایی

۴- دیپلم علوم تجربی

چکیده

اسلام بر اساس نیاز فطری انسان، مبانی تربیتی و آموزشی را به ایمان آورندگان می آموزد. چنانکه اگر تربیت را به سه قسم تربیت بدنی، تربیت عقلی و تربیت روانی تقسیم کنیم اسلام در یک نظام هماهنگ درباره هر قسم از این انواع بیاناتی حکیمانه دارد. این نظام تربیتی هماهنگ باید در محیطی مناسب به آدمی القاء گردد. منظور از محیط، تمام عوامل خارجی است که در موجود زنده از آغاز رشد وجود دارد. هر چند عوامل محیطی بسیار فراوان است، اما در تقسیم اولیه می توان آن را به دو قسم مادی و معنوی تقسیم نمود. نهاد آموزش و پرورش بنا به رسالتی که دارد عهده دار تعلیم و تربیت فرزندان جامعه است و در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است، انتقال و تعمیق ارزش های دینی و انسانی به نسل فردا از بدیهی ترین انتظاراتی است که می توان از نهاد آموزش و پرورش داشت.

کلمات کلیدی: اسلام، آموزش، محیط، تربیت، ارزش های دینی،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

مقدمه

نهاد آموزش و پرورش یک کشور نقش اساسی در تربیت شهروندان آن جامعه و آموزش و توسعه حقوق انسانی دارد. اگر چه شکل گیری و رشد شخصیت افراد یک جامعه الزاماً وابسته به تعلیم و تربیت نیست؛ لکن باید اذعان داشت بخش اعظمی از رشد فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می گیرد. در واقع تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهم ترین و هدفمندترین بخش تربیت آدمی است که اثرات آن را به گونه ای همه جانبه می توان در زندگی انسان ها و در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و اخلاقی آنان مورد مشاهده، بحث و بررسی قرار داد.

تربیت دینی، تربیتی بر اساس مفاهیم و معیارهای دینی است. تربیت دینی، در یک معنا فراهم کردن فرصت های طبیعی و درون یاب است تا افرادی خود با تجربه شخصی و الهام از فطرت خویش، بارقه الهی بخش دین را کشف نمایند.

تربیت و خصوصاً تربیت دینی یکی از ضرورت های عصر حاضر است که با رویکردی نوین تلاشی جدی می طلبد. امروزه شیوه های آموزش و تربیت دینی از شکل سنتی و ابتدایی متحول گردیده به طوری که خانواده از یک سو و به شکل غیر رسمی به تربیت و آموزش دینی فرزندان می پردازد و از سوی دیگر دستگاه ها و نهادهای مختلف تعلیم و تربیت همچون آموزش و پرورش، عهده دار آموزش و پرورش تربیت دینی در جامعه هستند. نهاد آموزش و پرورش بنا به رسالتی که دارد عهده دار تعلیم و تربیت فرزندان جامعه است و در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است، انتقال و تعمیق ارزش های دینی و انسانی به نسل فردا از بدیهی ترین انتظاراتی است که می توان از نهاد آموزش و پرورش داشت.

محیط مادی: عبارت از آب، هوا، نور، حرارت، مسکن، خوراک، پوشاک و ... بالآخره هر امر مادی که انسان بدانها محفوف و محاط می باشد.

محیط معنوی: عبارت از عوامل فرهنگی است که روح آدمی را به تعالی سوق می دهد.



محیط مورد نظر ما محیطی است که در تعلیم و تربیت از آن بهره برداری می شود و ضبط و کنترل آن امکان دارد. مانند محیط خانه ، خانواده و مدرسه . این گونه عوامل محیطی برای مربی ، معلم و والدین بسیار با اهمیت است.

محیط خانواده : محیط خانه و خانواده ، یک محیط طبیعی است که در آن پدر و مادر تربیت کودک را بر عهده می گیرند .

کودک تحت تاثیر مقام انگیزه های خانوادگی است و رفتار او قهراً از خانواده درست می شود ، او زبان مادری را می آموزد و از طریق مکالمه و گفتگو ، افکار و آراء زیادی از افراد خانواده به او منتقل می شود و معارف و اطلاعات او هم سطح با افکار خانواده پیش می رود . نقش تربیتی و الدین آنچنان بزرگ و مهم است که دین و علوم الهی نیز در نخستین لحظات حیات به وی منتقل می شود ، چنانکه پیامبر اسلام (ص) می فرماید :

((کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه و ینصرانه)) [۲]

((هر کودک و نوزادی به این فطرت متولد می شود ، جز اینکه پدر و مادر او به یهودیت و نصرانیت گرایش می دهند.))

رسول اکرم (ص) دین و رفتار کودک را در ارتباط پیوسته به افکار و وسعت معارف و بینش پدر و مادر می داند . پس کودک به خویشها و ناخویشهای خانواده مربوط می شود و میان او خانواده اش رابطه وجدانی برقرار می شود.

به لحاظ اینکه محیط خانواده بهترین محل تربیت کودک است ، تربیت وی در آن محیط از حقوق کودک محسوب می شود و اهمال و سهل انگاری در آن روا نیست.

امام سجاد (ع) می فرماید :

((حق فرزند است که بدانی او از تو و پیوسته به تو در خیر و شر امر دنیا است ، و تو مسئول او از لحاظ نیک ادب کردن و راهنمایی به پروردگارش و کمک به طاعت او هستی . پس عمل تو درباره او عمل کسی باشد که می داند در او احسان به مثاب ،

و در مسامحه و بدی نسبت به او کیفر می بیند.)) [۳]

بر این اساس رسول اکرم (ص) می فرماید :



((خداوند خشم نمی گیرد برای چیزی مانند خشمی که او را به خاطر زنان و کودکان می گیرد)) [۴]

پیامبر اسلام در جایی می فرماید :

((احبوا الصبیان و ارحموهم)) [۵]

((به کودکان محبت کنید و نسبت به آنها ترحم نمایید.))

و در جای دیگر می فرماید :

((من حق الولد علی الوالد ثلاثه ، یحسن اسمه ، ویعلمه الکتابه ، ویزوجه اذا بلغ.)) [۶]

((از جمله حقوق فرزند بر پدر سه چیز است : اسم زیبا برای او قرار دهد ، و نوشتن را به او بیاموزد ، و به هنگام بلوغ ، همسر برای او بگیرد.))

با توجه به محیط مذهبی خانه و تخلق به اخلاق حسنه و آداب اسلامی و الدین آیت ... حیدری از لحظه های آغاز حیات معارف الهی را از پدر و مادر دریافت کرد و عشق به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را در جان خود پرورد.

۲- محیط مدرسه :

مدرسه دومین مرکز تعلیم و تربیت است که از سنین کودکی تا مراحل عالی آموزشی و پرورشی را شامل می شود . تا پیش از طلوع اسلام از ابتدایی ترین مراکز آموزشی هم در جزیره العرب خبری نبود و جامعه شبه جزیره فاقد فرهنگ علمی بوده و به عنوان ملتی منزوی و گسسته از جامعه های متمدن تلقی می شد و از روابط فرهنگی بی بهره بود . با بعثت رسول اکرم (ص) و تاسیس حکومت اسلامی مساجد به عنوان مراکز عبادی و آموزشی شناخته شدند و در هر مسجدی چندین حلقه درس تشکیل شد . رفته رفته مدارس علمیه در کنار مساجد بنای مستقلی را به خود اختصاص دادند ، لیکن در اغلب موارد در مکان یابی همجواری با مساجد و اماکن مقدسه را ترجیح دادند تا از مرکز عبادی و تربیتی دوری نجسته باشند.



محیط مدرسه از سایر مؤسسات تربیتی، نظیر، مراکز تربیتی قبیله ای، از نظر وضع محیطی امتیازات خاصی را کسب کرد. برخی از آنها عبارتند از:

۱- مدرسه محیط تربیتی ساده و آسان کننده ای است.

۲- مدرسه محیط تربیتی سالمی است.

۳- مدرسه محیط تربیتی وسیع و پهنآوری است و از نظر زمان و مکان و دریافت تجارب بشری و دانش الهی مناسب است.

۴- مدرسه محیطی هماهنگ کننده است.

دین مبین اسلام در طی رهنمودهایی که در قرآن کریم و از طریق رسول اکرم (ص) وائمه معصومین (ع) به مؤمنان القاء می فرماید، لزوم اخلاص و پاکسازی نیت در طریق تعلیم و تعلم را از ضروریات اولیه و آداب مشترک معلم و شاگرد می داند و یادآور می شود که نباید از یادگیری و تحصیل آگاهی در هیچ شرایطی استنکاف نمود.

رسول اعظم الهی می فرماید :

((الحكمة ضالة المؤمن ، فحيث وجدها فهو احق بها.)) [۷]

((حکمت و دانش گمشده افراد با ایمان است . یک فرد با ایمان آنگاه که علم و حکمت را در هر جا بیابد برای دست یابی بر آن ، از همه افراد دیگر شایسته تر و سزاورتر است.))

ویژگی های تربیت اسلامی

هر مکتب تربیتی دارای ویژگی هایی است. این ویژگی ها را در مبانی، اصول، اهداف، منابع، شیوه ها و ابزارها و سایر عوامل مؤثر در تربیت می توان یافت.



همچنان که موفقیت یک مکتب تربیتی نیز به این ویژگی ها و عوامل مؤثر دیگری چون مربی، متربی، محیط تربیت و سایر شرایط وابسته است، که در خلال بحث های کتاب آمده است، حال ذیل عنوان ویژگی های تربیت اسلامی چند مطلب عمده را که خلاصه ای از مباحث پیشین است، خاطر نشان می سازیم.

۱- منبع وحی

از ویژگی های نظام تربیتی اسلام منبع و مأخذی است که محتوای آن را تشکیل می دهد و خاستگاه آن منبع وحی و الهام الهی است که در کتاب آسمانی تبلور دارد و همسو با کتاب تکوین - یعنی فطرت است - و از مصدر غیبت به وسیله امین وحی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده و سنت و سیره مفسر و مبین آن می باشد.

«الر کتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور بإذن ربهم إلى صراط العزيز الحميد»^(۱)

۱. سوره ابراهیم، آیه ۱.

علی (علیه السلام) درباره نقش قرآن می فرماید: این قرآن نصیحت کننده ای امین است که

غش و دغل نمی کند و هدایت گری که گمراه نمی سازد و پیام آوری که دروغ نمی گوید:

«إن هذا القرآن هو النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغْشُ وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَ الْمَحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ»^(۱)

با این ویژگی تربیت اسلامی از اتقان و استحکام و جامعیت برخوردار است، زیرا سرچشمه آن، حکمت و لطف خداوندی است که فیاض مطلق از بندگان دریغ نکرده و با احاطه ای که به ابعاد وجود انسان دارد، آن چه را که مصالح فردی و اجتماعی و دنیوی و آخروی بشر بدان وابسته است و لازمه خیر و سعادت واقعی اوست با برنامه ریزی مناسب و طرح جامع در اختیارش نهاده و در آیین جاودانه اسلام به کامل ترین صورت تبیین فرموده که نظیر آن را در هیچ یک از مکاتب و حتی شرایع نمی توان یافت.

حضرت امام این مطلب را به شیوه استدلالی و براساس «قاعده لطف» چنین بیان می کند:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

«و ببايد دانست که از برای نفوس صحت و مرض و صلاح و فساد و سعادت و شقاوتی است که پی بردن به طرق آن و دقایق مصالح و مفساد برای احدی جز ذات مقدس حق ممکن نیست. ناچار در نظام آتم که احسن نظام است (و قبل از این معلوم شد که مُنظَّم آن حکیم علی الاطلاق است و واقف بر همه امور است) تعلیم طریق سعادت و شقاوت و هدایت راه صلاح و فساد و اعلام طریق عروج نفوس، ممتنع است اهمال شود، زیرا که اهمال آن یا نقص در علم لازم آید یا نقص در قدرت یا بخل و ظلم»^(۲) و ذات بی چون الهی منزله از آن هاست.

۲- اسوه های الهی

مکتب تربیتی اسلام مزیت دیگری دارد که سایر مکتب ها فاقد آنند و آن عبارت است از: اسوه های الهی و چهره های علم و عصمت که با نفوس قدسی و در سایه هدایت الهی و تأیید ربانی با زبان و عمل به هدایت مردم پرداخته اند و همان گونه که از حدیث «ثقلین»^(۳) مستفاد می گردد، آن ها از قرآن انفکاک ناپذیرند و قرآن از آن ها جداشدنی نیست و آن ها معلم و مفسر قرآن و کتاب ناطق و تجسم عینی مکتب تربیتی اسلام می باشند و گفتار و رفتارشان به عنوان منبع و مأخذ و الگوی انسان سازی مطرح است و منابع روایی با غنای بی نظیر خود پس از قرآن، نمایانگر آن می باشد.

حضرت امام، درباره نهج البلاغه که رشحه ای از چشمه سار باب مدینه علم، علی(علیه السلام) است، چنین می فرماید:

«و اما کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست برای تعلیم و تربیت خفتگان در بستر منیت و در حجاب خودخواهی، خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه ای است دارای ابعادی به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور

۱. تصنیف غرر، ص ۱۱۱.

۲. چهل حدیث، صص ۱۷۴ - ۱۷۳. «الا يعلم من خلق و هو اللطیف الخبیر» (سوره ملک، آیه ۱۴).

۳. حدیث: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابدًا و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» که مورد اتفاق خاصه و عامه می باشد.



آن تا هرچه تاریخ به پیش رود و هرچه جامعه ها به وجود آید و دولت ها و ملت ها متحقق بشوند.»

۳- برنامه عملی مناسب

از عوامل موفقیت تربیت ارائه راه و روشها و برنامه هایی است که در تحقق یافتن اهداف تربیت ایفای نقش می کند. طرح و برنامه ای که در اسلام برای تعلیم و تربیت و رشد و تکامل انسان ارائه می شود، برنامه ای است دقیق و جامع و عملی و عینی که آفریدگار جهان برای وی تنظیم کرده است و پیام آوران خدا مبلّغ و مجری آنند.

راهبردهایی که اسلام برای انسان سازی ارائه داده چنان که قبلا دیدیم، در میدان عمل و آزمون، قرین موفقیت بوده و انسان های بی شماری را به کمال و والایی رسانیده است و می تواند برای بشریت ره توشه سعادت باشد.

نظام تربیتی با فرض واقع بینانه بودن هرگاه فاقد برنامه عملی و ضمانت اجرایی باشد، در میدان عمل ناکام خواهد ماند، به ویژه در مسائلی که با عواطف و امیال انسان سروکار دارد و در نتیجه به کشمکش و تضاد درونی کشیده می شود. پشتوانه نظام تربیتی اسلام، ایمان و حب خدا و عامل خوف و رجا و عمل صالح است که مؤمن از روی معرفت و عشق به حق و کوشش در طلب رضا و تقرب او انجام می دهد و در این میان عبادات از نقش مداوم و مؤثری در تکمیل و تهذیب نفوس برخوردارند به ویژه نماز با فلسفه ذکر خدا که یک تکلیف مستمر در ساعات شبانه روزی مادام العمر مؤمن است به عنوان سرچشمه معنویت و تغذیه روح و عامل بازدارنده از گناه قابل ذکر می باشد که نیرومندترین ضامن

اخلاقی است.

این ویژگی را در هیچ یک از مکاتب تربیتی رایج نمی توان یافت، زیرا تنها مؤمنان اند که به خدا عشق می ورزند و از کیفر او بیمناک اند و در برابر اوامر او سر فرود می آورند.

۴- تعبد و تسلیم

در برنامه های تربیتی پای تعبد و تسلیم به میان می آید، زیرا انسان از راز هستی و پی آمد اعمال همواره و به طور کامل آگاه نیست و همانند بیماری که برای بازیافتن سلامت خویش به حکم ضرورت تسلیم طبیب می شود و از راز دارو و درمان بی خبر



است، در مسائل تربیتی نیز می‌بایست سخن مربی را بپذیرد. بدیهی است که انقیاد کامل و تعبد محض جز در برابر اوامر و نواهی الهی معقول و عملی نیست و انسان نمی‌تواند بدون قید و شرط زمام خویش را به دست افرادی بسپارد، بدون این که آن‌ها را با منبعی مطمئن و مصون از خطا مرتبط بدانند. اما مؤمن با اعتقاد به حکمت و علم خداوند و یقین به صدق و امانت پیام‌آوران او، خود را تسلیم فرامین حق می‌کند و به فلاح و رستگاری اطمینان دارد:

«أَنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^(۱)

این ایمان و اطمینان تا بدان جا پیش می‌رود که حتی اگر دستور کشتن و کشته شدن بدو دهند، همانند مسئله جهاد و شهادت - برخلاف تمایل نفسانی خود - آن را با آغوش باز می‌پذیرد و شهادت را فوز عظیم می‌داند. بدیهی است که در مسائل تربیتی و اخلاقی و حلال و حرام الهی، که این تعبد و تسلیم سهل‌تر خواهد بود، مؤمن هرگز چون و چرا نخواهد کرد: «عَسَىٰ أَنْ تَكَرَّهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ»^(۲)

۱. سوره نور، آیه ۵۱.

۲. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۵ - جهانشمول بودن

تعلیم و تربیت اسلامی محدود به عصر و نسلی نیست بلکه کل بشریت را در همه اقطار و اعصار و با شرایط مختلف جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی دربرمی‌گیرد و هیچ‌گونه تبعیضی را نمی‌پذیرد و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» و «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» است و احکام نورانی اسلام تا پایان حیات انسان در زمین به قوت خود باقی است و توان اداره انسان را دارد.

۶ - هدف بودن انسان

در تربیت اسلامی، انسان با هویت انسانی هدف است و کمال او مقصد تربیت می‌باشد (و نه چیز دیگر)، بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی و احکام و شرایع و تکلیف و بندگی تنها به منظور انسان‌سازی است و قرب الهی یا پرستش که قبلاً در اهداف تربیت گفتیم، به فلاح و رستگاری انسان بازمی‌گردد چراکه انسان از قرب الهی بهره می‌برد و به فوز عظیم می‌رسد و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

واجب الوجود را به پرستش و قرب بنده نیازی نیست و هدایت و تزکیه انسان به خود او بازگشت می کند: «فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ»^(۱)، «...وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ...»^(۲) و پیامبران در کار رسالت و هدایت از مردم چیزی جز پیمودن راه خدا که همان راه سعادت انسان است، نمی خواهند: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»^(۳).

سایر مکاتب فاقد چنین ویژگی اند و هرچند از اصالت انسان سخن بگویند مقاصد دیگری را ورای

۱. سوره یونس، آیه ۱۰۸.

۲. سوره فاطر، آیه ۱۸.

۳. سوره فرقان، آیه ۵۷.

سعادت انسان در تربیت لحاظ می کنند، دلیل این مدعا را در ره آورد این مکاتب و جایگاه انسان در فرهنگ جوامع می توان یافت.

۷- جامعیت

همان گونه که در مباحث پیشین ملاحظه کردیم انسان دارای ابعاد مختلف جسمی و روحی، عقلی و عاطفی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، عرفانی و اخلاقی است و مادامی که تربیت به کلیه این ابعاد توجه نکند، نمی تواند تضمینی برای خیر و سعادت و رشد و تکامل انسان باشد. مکاتبی که تک بعدی و یا با عینک مادیت به انسان می نگرند از اسرار پیچیده و استعدادهای نهفته و بی نهایت و قابلیت های ذاتی وی عاجز و ناتوان اند و به همین دلیل برنامه ها و روش های تربیتی آنان نیز از این نقیصه خالی نخواهد بود. اما در نگرش الهی انسان با همه ابعاد و اسرار وجودی اش از سوی آفریدگار خود مورد توجه قرار می گیرد و تربیت مفهوم کامل و واقعی خود را می یابد و برنامه ها نیز بر این اساس تنظیم می گردد: «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ».

قرآن کریم با اشاره به محدودیت دانش انسان در شناخت خود و ابعاد حیات خویش آیاتی دارد از جمله: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ

قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»^(۱).



«از تو می پرسند حقیقت روح چیست، بگو روح از امر پروردگار من است، و شما را جز اندکی از دانش بهره نیست». استفاده از واژه «ربی» که مشتمل بر مفهوم تربیت است و واژه «امر» که ورای عالم «خلق» است، می تواند عنایتی به این نکته باشد که روح از «عالم امر» می باشد و تنها پروردگار روح یعنی مربی واقعی انسان می داند که حقیقت آن چیست و برای رشد و سعادت آن چه طرحی را ارائه

۱. سوره اسراء، آیه ۸۵.

دهد، در حالی که دیگران از درک چنین حقیقتی غافل اند.

حضرت امام می فرماید:

«تربیت انسان به همه ابعادش، هم تربیت جسمی و هم روحی و هم عقل و هم مافوق آن، نمی شود در عهده بشر باشد. برای این که بشر اطلاع ندارد از احتیاجات انسان و کیفیت تربیت انسان نسبت به ماوراء الطبیعه. تمام قوای بشر را روی هم بگذارید همین طبیعت را و خاصیت طبیعت را می تواند بفهمد.^(۱)

بدیهی است که بدون توجه به ابعاد وجودی انسان و علم به آغاز و انجام سیر و حرکت وی، تربیت او به نحو کامل و با هدف نهایی قابل تحقق نیست. از دید مکاتب مادی که انسان را در چارچوبه طبیعت و آثار آن زندانی می کند و زیستن بهتر و لذت و تمتع بیشتر را غایت و فلسفه حیات می داند و مبدأ و مقصد را تنها در جهان خاک می شناسد، قلمرو تربیت نیز از مرزهای مادی و حیوانی نمی گذرد و از خور و خواب و خشم و شهوت فراتر نمی رود، همان گونه که قرآن می گوید:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^(۱)

و در مقام ارزیابی حاصل عمل و اندیشه و ایده کافران می فرماید: «...الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ»^(۲)

۱. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۲۶.



۲. سوره روم، آیه ۷.

۳. سوره محمد، آیه ۱۲.

کفر پیشه گان، تمتع می برند و می خورند همانند خوردن حیوانات و آتش جایگاه آن هاست. در این نوع تفکر، پرورش فضائل اخلاقی و تربیت انسانی نامفهوم است و از این رو قرآن کریم اینان را به چهارپایان مانند می کند. (و این فاجعه ای است که مادی گری برای نسل بشر پدید آورده و انسان را خصلت جانوران و درندگان بخشیده که براساس روایات اینان در آخرت نیز به صورت جانوران و وحوش محشور خواهند شد.)

این در حالی است که نگرش الهی انسان را از خدا می داند و منتهای سیر او را لقالله می شناسد: «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ»^(۱)، «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ»^(۲)

و بنابراین انسان در عین آن که موجودی است خاکی و عرصه تکامل او عالم طبیعت است بارقه الهی است که از سوی خدا آمده و با ره آوردی که از این سیر و سفر دارد به سوی خدا و به عالم بقا رهسپار می گردد و به رستگاری و جاودانگی نائل می آید.

تربیت و هدایت انسان در این مقطع حیات، یعنی پیوند دادن انسان با مبدأ خویش و رهنمون گشتن او بدان مقصدی که برای آن آفریده شده است و شکوفاسازی استعدادهای نامتناهی ویژه ای که اساس سعادت و فلاح ابدی اوست.

قابل توجه این که در آیات فوق نیز ضمن بیان رجوع انسان به خدا از واژه «رب» و «ربک» استفاده شده که اشاره ای است لطیف به نقش تربیت الهی در تکامل و جاودانی انسان. حضرت امام با اشاره به این نکته می فرمایند:

۱. سوره علق، آیه ۸.

۲. سوره نجم، آیه ۴۲.



«بعثت انبیا برای تربیت ماست که در آن ورق که باید تربیت بشویم، جوری تربیت بشویم که آن جا هم زندگی مان سعادت‌مندانه باشد. اگر تربیت نباشد و انسان با همان خوی حیوانی از این عالم به عالم دیگر رود در آن عالم سعادت ندارد و به شقاوت می رسد. انسان در آن عالم به ظلمات می رسد.»^(۱)

بنابراین، تربیتی که فاقد اینویژگی باشد و آغاز و انجام انسان‌وابعاد وجودی او را نشناسد، به اهمال وابطال عنصر اصلی شخصیت آدمی پرداخته و شایستگی تربیت انسان را ندارد.

سایر دیدگاه‌ها و احتمالات

همان گونه که دیدیم، جز تعلم و تربیت که تبلور کامل آن در مکتب متعالی اسلام است هیچ مکتب دیگری قادر نیست انسان را به مقصد اصلی حیات هدایت کرده و به خیر و سعادت ابدی نائل سازد و اگر رهنمود وحی و مربیان آسمانی نباشد، انسان نمی تواند به منبع و مکتب دیگری تکیه کند زیرا طرق مفروض در تربیت انسانی، عبارت اند از: غریزه، وجدان، تعقل، دانش، تجارب اجتماعی و امثال آن که نارسایی این‌ها در ارائه طریق مطمئن جای انکار نیست. زیرا:

۱- غریزه عبارت است از گرایش‌های طبیعی و غیرارادی موجود زنده به سوی یک هدف از پیش تعیین شده، که در حیوانات به طور خودکار وجود دارد. زنبور عسل با همین خصلت غریزی، خانه می سازد، غذای مناسب برای تولید عسل انتخاب می کند. هر یک از حیوانات دیگر و از جمله انسان نیز نوعی حرکت غریزی دارند که تفاوت این حرکات با تربیت و اخلاق که زیربنای ارادی و اعتقادی دارد، واضح و روشن است.

۱. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- تعقل نیز همان گونه که در گذشته دیدیم یکی از منابع تربیت به شمار می آید، اما هرگز ما را از



هدایت وحی بی نیاز نمی کند زیرا اولاً: عقل احاطه به ابعاد وجود انسان، گرایش ها و اهداف و چگونگی پرورش آن ها ندارد. ثانیاً: عقول بشری در تشخیص خوب و بد یک سان نیستند و بدین گونه نمی توان ملاک واحدی را از این رهگذر ارائه داد و در نتیجه خیر و شر حالت نسبی خواهد یافت و این با اصالت اخلاق و مبانی تربیت متغایر است.

۳- علم نیز در قلمرو خود، علاوه بر آن که بر ابعاد وجودی انسان و طرق وصول به

کمال، احاطه ندارد، نمی تواند معیار منطقی و ثابتی را برای تربیت و اخلاق ارائه دهد و سرگذشت علم، ناموفق بودن او در این تجربه به اثبات رسانده است. دانش های بشری در شناخت حقایق جهان و به ویژه انسان نارسا هستند و اختلاف فرهنگ ها و بینش ها خود عامل دیگری در نارسائی علم جهت ارائه ملاک واحد منطقی در تربیت ابعاد وجود انسان است.

۴- و اما وجدان گرچه از نظر اسلام پشتوانه اخلاقی فطری است لیکن بدون وحی و راهنمایی شریعت توان ارائه طریق و اداره انسان را در دست یابی کامل به خیر و سعادت ندارد. به علاوه آن که وجدان اخلاقی معمولاً از فرهنگ و سنت و تعلیم و تربیت رایج در یک جامعه تأثیر می پذیرد و بدین سان آبِ صافی فطرت، گل آلود می شود و تدریجاً دست خوش مسخ و تحریف می گردد. تنها راهنمایی شریعت است که فطرت را بارور می سازد و وجدان را بیدار و گرایش اخلاقی را هدایت می کند.

۵- تجربه اجتماعی نیز به طور قطع نمی تواند منبع الهام در امر تربیت و اخلاق باشد، چراکه جامعه ها بدون راهنمایی شریعت عموماً دست خوش انحراف اند و تجربه تاریخ این را به ثبوت رسانیده است. گرچه تجارب اجتماعی در آزمون زندگی به صورت طبیعی از نیک و بد اعمال پرده برمی دارد، اما این تجارب کمتر الهام بخش انسان ها بوده است، بدین سان که بتواند معیارهای ثابت و پایداری را در مسائل اخلاقی ارائه دهد. از سوی دیگر روش ها و سنت های اجتماعی بیش از آن که با حقیقت همراه باشند از عوامل سیاسی، فرهنگی، و تبلیغی و اقتصادی متأثراند و بدین سان نمی توانند ملاک و معیار حقیقت باشند. بسا عملی ناشایست از دیدگاه یک جامعه، در جامعه ای دیگر شایسته می نماید، چنان که آدم خواری در میان برخی قبایل وحشی، رسم معمول است و هیچ گونه قبح و زشتی ندارد، و همین است باعث اعتقاد برخی از متفکران به نسبت اخلاق و سبب پیدایش اندیشه سوفسطایی، که با اصالت ارزش های اخلاقی ناسازگار است.



۶- علاوه بر این، هیچ یک از طرق پیشنهادی فوق با فرض آن که مبنای درستی را به دست دهند هیچ گونه، ضامن اجرایی ندارند.



فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. الامام علی بن ابیطالب، نهج البلاغه، الشریف الرضی، تحقیق دکتر صبحی صالح، بیروت، الطبعة الاولى ۱۳۸۹ م

۳. الامام علی بن ابیطالب، نهج البلاغه، ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ ش

۴. آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرالحکم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى ۱۳۶۶ ش

۵. الامام جعفرالصادق(علیه السلام)، مصباح الشریعة، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات الطبعة الاولى، ۱۴۰۰ هـ. ق

۶. الامام الرضا، صحیفه، اصفهان، مکتبه الزهراء(علیها السلام)، ۱۳۶۶ ش

۷. امام خمینی، پیام ها و سخنرانی ها

۸. امام خمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش

۹. امام خمینی، سرالصلوة، ترجمه و مقدمه: سیداحمد فهری، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۰ ش

۱۰. امام خمینی، جهاد اکبر

۱۱. امام خمینی، امام و انقلاب فرهنگی

۱۲. امام خمینی، چهل حدیث، تهران مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش

۱۳. امام خمینی، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم، قم، موسسه پاسدار اسلام، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش

۱۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران ۱۳۶۰، چاپ پانزدهم، انتشارات جاویدان

۱۵. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، لبنان، دارالاحیاء التراث العربی للطباعة و النشر والتوزیع، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ هـ. ق